



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.2.18.0

Evaluating the Effectiveness of Sustainable Urban Regeneration Programs on Improving the Quality of Life of Residents of Informal Settlements (Case Study: Rasht City)

Saleh Pouyan¹, Ali Tavakolan^{2*} & Bahman Kargar³

1. Ph.D Student, Geography & Urban Planning, Research & Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Geography, Research & Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Geography, Shahr-e-rey Branch, Islamic Azad University, Shahr-e-rey, Iran.

* Corresponding author: Email: a.tavakolan@srbrau.ac.ir

Receive Date: 07 March 2021

Accept Date: 26 April 2021

ABSTRACT

Introduction: The rapid growth of urbanization in recent decades and disregard for the quality of human life has adverse consequences on the level of individual and social health of society and the quality of urban life. Although improving the quality of life in informal settlements and urban areas has long been the focus of experts, but in recent years it has become more common in the country's development programs and policies.

Research aim: The present study aimed to evaluate the effectiveness of sustainable urban regeneration programs on improving the quality of life of residents of informal settlements (case study: Rasht).

Methodology: The research method is descriptive-analytical and the information is collected in the form of documents, libraries and surveys using a questionnaire. The statistical population of the study consists of two groups: 1) citizens living in the target areas; 2) Experts and specialists related to the issue of urban regeneration in Guilan province. The sample size was announced using Cochran's formula for the first group of 400 people and for the second group of 300 people, which was sampled purposefully. Also, in order to analyze the data, structural equation modeling methods with partial least squares approach and t-test have been used.

Studied Areas: The geographical scope of this research is the informal settlements of Rasht city.

Results: The results of structural equation modeling show that the standardized coefficient between two variables (sustainable urban regeneration programs and the quality of life of informal settlements) is $\beta=0.369$ and the significance coefficient (t-statistic) between these two variables is $t=6.031$, which shows that this relationship is significant ($t>1.96$). Also, in the implementation of the t-test in order to check the status of sustainable urban regeneration programs, taking into account the confidence factor of 95% and the error of 5%, the value of the t-test statistic with a degree of freedom of 299 is equal to 29.241 for Suleimandarab neighborhood, 24.152 for Aynak, -6.851 for Paskiab and Chickpea has become -10.450. Also, the results of the t-test, which was conducted in order to evaluate the quality of life in the targeted informal settlements, showed that the value of the t-test with a degree of freedom of 299 was equal to 11.850 for Suleimandarab neighborhood, -8.160 for Aynak, -27.400 for Paskiab, and -31.713 for Nakhodcher.

Conclusion: The research results showed that sustainable urban regeneration programs have a positive and significant effect on the quality of life of informal settlements. It was also determined that the status of the mentioned programs was successful in Suleimandarab neighborhood, Aynak relatively successful, Paskiab relatively unsuccessful and Nakhodcher neighborhood unsuccessful, and the quality of life in Suleimandarab neighborhood is relatively favorable, Aynak relatively unfavorable, and Paskiab and Nakhodcher neighborhoods are unfavorable.

KEYWORDS: Urban Regeneration, Sustainable Urban Regeneration, Quality of Life, Informal Settlements, Rash City.



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۵۹)، تابستان ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۳۷۸-۳۹۰

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.2.18.0

مقاله پژوهشی

ارزیابی اثر بخشی برنامه‌های باز آفرینی شهری پایدار بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: شهر رشت)

صالح پویان^۱، علی توکلان^{۲*} و بهمن کارگر^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه جغرافیا، واحد شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران

* نویسنده مسئول: Email: a.tavakolan@srbrau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۷ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: اگرچه ارتقای کیفیت زندگی در محدوده‌ها و محلات شهری سکونتگاه‌های غیر رسمی از گذشته مورد نظر کارشناسان بوده است، اما در سال‌های اخیر در برنامه‌های توسعه و سیاست گذاری‌های کشور رواج بیشتری یافته است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثر بخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی (مورد مطالعه: شهر رشت) صورت پذیرفته است.

روش‌شناسی تحقیق: با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات به صورت اسنادی، کتابخانه‌ای و پیمایشی و با ابزار پرسشنامه گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش متشکل از دو گروه: (۱) شهروندان ساکن در محلات هدف؛ (۲) کارشناسان و متخصصین مرتبط با موضوع بازآفرینی شهری استان گیلان می‌باشند. حجم نمونه مورد بررسی نیز با استفاده از فرمول کوکران برای گروه اول ۴۰۰ نفر و برای گروه دوم ۳۰۰ نفر اعلام گردید که به شیوه غیراحتمالی در دسترس نمونه گیری گردیده است. همچنین به جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و با آزمون تی، تست استفاده گردیده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مدلسازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب استاندارد شده بین دو متغیر (برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی) $\beta = 0.369$ می‌باشد و ضریب معناداری (آماره تی) بین این دو متغیر $t = 6.031$ بوده که نشان می‌دهد این رابطه معنادار است ($t > 1.96$). همچنین در اجرای آزمون t-test به منظور بررسی وضعیت برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار با در نظر داشتن ضریب اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، مقدار آماره آزمون تی با درجه آزادی ۲۹۹، برای محله سلیمانداراب برابر $29/241$ ، عینک $24/152$ ، پاسکیاب $6/851$ و نخودچر $10/450$ - شده است. همچنین نتایج آزمون t-test که به منظور ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف صورت گرفت، نشان داد که مقدار آماره آزمون تی با درجه آزادی ۲۹۹، برای محله سلیمانداراب برابر $11/850$ ، عینک $8/160$ ، پاسکیاب $27/400$ و نخودچر $31/713$ - شده است.

نتایج: نتایج تحقیق نشان داد که برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین مشخص گردید که وضعیت برنامه‌های مذکور در محله سلیمانداراب موفق، عینک نسبتاً موفق، پاسکیاب نسبتاً ناموفق و در محله نخودچر ناموفق بوده است و وضعیت کیفیت زندگی در محله سلیمانداراب نسبتاً مطلوب، عینک نسبتاً نامطلوب و در محلات پاسکیاب و نخودچر نامطلوب می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: باز آفرینی شهری، باز آفرینی پایدار شهری، کیفیت زندگی، سکونتگاه‌های غیر رسمی، شهر رشت

مقدمه

فقر شهری و در پی آن گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی همواره یکی از مسائل اصلی شهرهای کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران بوده است، آمار و ارقام از بدتر شدن اوضاع سکوتی میلیون‌ها نفر در این کشورها حکایت دارد که به شکل روز افزون به فقر مطلق و نسبی گرفتار هستند، آنان به دور از شرایط زیستی مناسب و بدون دسترسی به منابع درآمدی کافی و دائمی، مجبور به سکونت در خارج از محدوده و چارچوب قوانین، مقررات رسمی حاکم بر شهر می‌شوند، در چنین شرایطی سکونتگاه‌های فقیرنشین غیر رسمی و یا به اصطلاح حاشیه نشینی شکل گرفته و زمینه‌های پایداری کالبدی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی شهر را با چالش مواجه می‌کنند (ایراندوست، ۱۳۸۹). لذا ارتقای کیفیت زندگی به مفهوم عام و ارتقای کیفیت زندگی شهری به مفهوم خاص یکی از ضروریات زندگی در فرایند سریع تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، محیطی و تکنولوژیکی است. فرایند پویایی نیازهای بشری به همراه ویژگی‌ها و خصوصیات فردی و اجتماعی جامعه شهروندان بر پیچیدگی مفهومی کیفیت زندگی افزوده می‌کند و به منظور حصول به حداقل‌های ممکن در این راستا کوشش مضاعفی را از سوی مدیران از جمله مدیران شهری و یا به عبارتی مدیریت شهری طلب می‌کند (لطفی، ۱۳۸۸).

افزایش رشد چشم گیری در جمعیت شهری در دوره معاصر که شهر رشت به‌عنوان بزرگ‌ترین قطب شهری استان گیلان از آن در امان نبوده است و این رشد و گسترش به توسعه هرچه بیشتر سکونتگاه‌های غیر رسمی در حوزه پیرامون شهر منجر گردیده است که با مشکلاتی چون ناپایداری، فقدان تاب‌آوری در مقابل مخاطرات احتمالی، محیط زیست نامطلوب، توسعه کالبدی-فضایی غیر اندیشیده، پایین بودن سطح خدمات شهری، انواع آسیب‌ها اجتماعی و غیره دست به گریبان است و قطع و فقدان راهبردهای مشخص در این حوزه و یا مداخله غیر نظام‌مند در آن موجبات گسترش آسیب‌های شهری گردیده است (ویسی و همکاران، ۱۳۹۵). این مهم در کل کشور بطور اخص در شهر رشت مدیران شهری را بر آن داشته است تا به فکر چاره بر آمده و شکاف حاصله را به حداقل کاهش دهند. لذا به منظور فائق آمدن بر مشکلات مذکور در شهری که با برخورداری از ۸۰۰ هکتار سکونتگاه غیر رسمی که معادل ۲۰ درصد از جمعیت شهر رشت را به خود اختصاص داده است (مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر، ۱۳۹۰). پروژه‌های بازآفرینی شهری پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر در دستور کار مدیریت شهری شهر رشت قرار گرفته است (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۴). باز آفرینی شهری پایدار فرایند توسعه‌ای همه جانبه در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی به منظور ارتقای کیفیت زندگی در محدوده‌ها و محله‌های هدف در پیوند با کل شهر است، (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۶) که با اهدافی چون؛ کاهش فقر شهری و توانمندسازی، ارتقاء و تاب‌آوری شهری، ارتقاء هویت و منزلت مکانی و تحقق حکمروایی شهری، صورت می‌پذیرد.

بر پایه آنچه بیان گردید به دلیل آنکه بخش مهمی از گستره کالبدی شهر و جمعیت ساکن آنرا شامل می‌گردد و این موضوع می‌تواند در فرایند توسعه شهر اثرگذار باشد و همچنین اینکه ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهر رشت به مانند شهرهای دیگر ترکیبی از خرده فرهنگ‌ها می‌باشند که دارای تجارب، شیوه زندگی و پیشینه متفاوت هستند، لذا انجام اقدامات عمرانی و نوع مداخلات در این حوزه نیازمند به مدنظر قرار دادن این تنوع و گوناگونی است (جعفری مهرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷). پرداختن به ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر رشت حائز اهمیت می‌باشد. از این رو مسئله اصلی در پژوهش حاضر ارزیابی اثر بخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر رشت می‌باشد.

تعریف اصطلاح سکونتگاه‌های غیر رسمی از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد و حتی در میان متخصصین و صاحب نظران یک کشور هم با توجه به گوناگونی پارامترهای مورد نظر و استفاده، اختلافاتی هر چند جزئی دیده می‌شود، اما به طور کلی به بخشهای از شهر اطلاق می‌شود که ساکنین آن افراد فقیری می‌باشند و توانایی خرید و ساخت زمین و مسکن استاندارد و رعایت مقررات و ضوابط رسمی و قانونی را ندارند، لذا بر روی زمین‌های خالی از سکنه خصوصی و عمومی به دور از استانداردهای ساخت و ساز به طور غیر قانونی اقدام به ایجاد سرپناه و ساکن می‌گردند (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۳). اسکان غیر رسمی عمدتاً زمین‌های حاشیه شهرها، جایی که نظارت مقامات رسمی شهرها، ضعیف است و یا وجود ندارد، شکل می‌گیرد. بر این اساس قانونی کردن و نظم دادن به این سکونتگاه‌ها از جمله مسائل و مشکلات این جوامع بشمار می‌آید. ناپایداری حاصله از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم، ویژگی‌های اساسی‌ای را در این سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است که مهمترین

این ویژگیها عبارتند از: (۱) ویژگیهای فرهنگی (۲) اجتماعی (۳) اقتصادی (۴) کالبدی؛ امروزه به سبب فقدان هماهنگی در ارکان نظام برنامه ریزی، اقدامات بخشی از سوی نهادها و تصدی گری و تداخل وظایفشان در فقدان نگاه جامع به امر برنامه‌ریزی شهری منجر به ناکارآمدی‌های بیشماری در ابعاد فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی شهرها شده است، این در حالی است که محدودیت منابع و زمان برای رفع ناکارآمدی‌ها، چالشی مضاعف را موجب گردیده که بدون شک در صورت عدم تغییر در رویکرد و رویه‌های حاضر، آینده پر مخاطره‌ای را می‌توان برای شهرها متصور شد. (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، ۱۳۹۶). موضوع بافت‌های ناکارآمد شهری موضوعی پیچیده و چند بعدی است و بسیاری از متغیرهای مربوط به این موضوع در دنیای واقعی، متغیرهای غیرقابل سنجش هستند، لذا بایستی هرگونه مسائل و موضوعات در ارتباط با بافت‌های ناکارآمد شهری به صورت نگاه چند بعدی و ترکیبی از عوامل مختلف مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد (هادوی، ۱۳۹۶). بازآفرینی شهری متشکل از راهبردهای مدیریت یکپارچه، حاکمیت دموکراتیک محلی، ارتقای مسئولیت‌پذیری نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم نهاد نسبت به منافع عمومی و فرآیندهای نظارت بر مؤسسات اقتصادی و نهادهای مردمی است که مشارکت حداکثری بین سه سطح نهادهای دولتی، بازار و جامعه مدنی را ایجاد کند (مهندسان مشاور پلیشر، ۱۳۹۶). این مشارکت در نهایت به زیست‌پذیر کردن فضاهای شهری در ابعاد گوناگون منجر می‌شود. در محدوده‌ها و محلات شهری که اقدامات بازسازی آن بدون توجه به بستر و زمینه، صرفاً با انجام مداخلات کالبدی و گاه سوداگرایانه انجام می‌گیرد مشکلی به مشکلات محدوده‌ها و محلات افزوده گردیده و یا گاهی آشفتگی موجود را دامن زده و به تبع آن، محدوده را هرچه بیشتر در معرض زوال قرار می‌دهد. هدف بازآفرینی شهری، صرفاً بهسازی و نوسازی کالبدی یک محله یا بافت نیست. هدف جامع همه اقدامات، سرزندگی و به بیان دیگر توسعه کیفی اجتماع محلی یا ارتقای کیفیت زندگی محدوده‌ها است. (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶). بازآفرینی و مولد شدن باید در اجتماع محلی اتفاق افتد که تجلی آن در کیفیت کالبد است (یوسف‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس مدل مفهومی پژوهش حاضر که برگرفته از چارچوب نظری فوق می‌باشد به صورت زیر تدوین می‌گردد که در آن فرضیه زیر مطرح است: - برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت تأثیر مثبت و معناداری دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

کیفیت زندگی، رفاه، بهزیستی در جنبه‌های مختلف از دغدغه‌های بشریت و دولتمردان و حاکمان بوه است و نمی‌توان تاریخچه مکتوبی از آن ارائه نمود ولی با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده سابقه آن به دهه ۱۹۳۰ بر می‌گردد که محققان مبادرت به بررسی کیفیت زندگی با رویکردهای مختلف نموده‌اند و به لحاظ دانشگاهی می‌توان تحقیقات انجام شده در این حوزه را مربوط به اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی دانست که با کارهای پژوهشی بایر در ایالات متحده آمریکا شروع شد و سپس به صورت گسترده در کشورهای اروپایی و سرتاسر دنیا گسترش یافت. همچنین سامبو و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهشی با عنوان تأثیر قومیت و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی بر سلامت و کیفیت زندگی جمعیت شهری آسیا، با استفاده از مدل‌های رگرسیون خطی نتیجه می‌گیرند که قومیت و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی با کیفیت زندگی سلامت در قومیت‌های مختلف متفاوت است. لی (۲۰۰۸)، در پژوهشی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه با استفاده از شاخص‌های ذهنی پرداخته است. نتایج مطالعات لی بیانگر این است که وضعیت اجتماع، متعلقات محلی و رضایت از محله بیشترین تأثیر را در کیفیت زندگی دارد. فیلیز و الماس (۲۰۱۱)، در تحلیل بهبود کیفیت زندگی در آناتولی (مطالعه موردی: سامان محله سائل قونیه)، فضاهای باز و سبز شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های افزایش کیفیت زندگی شهری را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد با افزایش فضاهای سبز شهری کیفیت زندگی شهری ارتقاء می‌یابد. بالستروس و همکاران (۲۰۱۲)، در بررسی خدمات رسانی عمومی غیر متمرکز روی کیفیت زندگی در اسپانیا، نشان می‌دهند که پراکنده بودن خدمات عمومی توسط شهرداری‌ها باعث ارتقاء کیفیت زندگی می‌شود. زینال و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان وضعیت مسکن و کیفیت زندگی در شهرهای فقیر مالزی به این نتیجه رسیدند که وضعیت مسکن در شهرهای فقیرنشین مالزی پایین است که این روی شاخص‌های سلامتی و ایمنی اجتماعی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه روی کیفیت زندگی تأثیر دارد. عبدالمحیط (۲۰۱۳)، به ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مناطق مختلف مالزی و چگونگی سیاست‌گذاری مربوط به آن پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که کیفیت زندگی شهری بین ایالت‌های مختلف مالزی یکسان نیست. فضلی (۲۰۱۶) در پژوهشی علل رشد اسکان غیررسمی در کابل افغانستان را بررسی کرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ۸۰ درصد از جمعیت شهر کابل در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند. همچنین ناامنی و تغییرات سیاسی به عنوان عامل اصلی و تمایل به یک زندگی بهتر، کار و آموزش از عوامل رشد اسکان غیررسمی کابل محسوب می‌شوند. سانتوس و ویرتودس (۲۰۲۰) در پژوهشی به برنامه‌ریزی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی در پاتنه ماکاسار پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که در حال حاضر رویکرد جامعی در همه ابعاد فعالیت‌های انسانی ادغام شده‌اند و اثرات زیست محیطی به عنوان گزینه‌های مناسب برای تجارب مختلف در کشورهای در حال توسعه به رسمیت شناخته شده‌اند. اما تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که در حضور سکونتگاه‌های غیررسمی، این رویکردها به اندازه کافی ویژگی‌های محلی را که متفاوت هستند، در نظر نمی‌گیرد و منجر به مدل‌های نامناسبی در برنامه‌های مسکن شده است.

در ایران نیز نوابخش (۱۳۸۱)، به کیفیت زندگی شهری و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان تحصیلات، سن، نوع مذهب، در ارزیابی کیفیت زندگی مؤثر هستند. لطفی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان تحلیل کیفیت زندگی شهری با استفاده از روش آنتروپی و تکنیک SAW مطالعه موردی: (بافت شهر میاندوآب)، ضمن مقایسه محلات شهر از حیث کیفیت زندگی نتایج تحقیق نشان می‌دهد، شاخص فضای سبز با دیگر شاخص‌ها اختلاف چشمگیر داشته و از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. سلیمانی و همکاران (۱۳۹۲)، به سنجش کیفیت زندگی در محله‌های در حال گذار شهری (مطالعه موردی: محله دروازه شمیران از منطقه ۱۲ شهر تهران) پرداخته و نشان می‌دهد که ۶۴/۴ درصد از ساکنان محله از کیفیت زندگی خود ناراضی هستند و در حال گذار بودن عامل مهمی در کاهش کیفیت زندگی ساکنین است. خواجه شاهکوهی و همکاران (۱۳۹۳)، به ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی و تأثیر آن بر مشارکت شهروندان در امور شهری مینودشت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ابعاد سلامت اجتماعی و روانی بالاتر از حد متوسط و ابعاد سلامت محیطی و جسمانی و همچنین کیفیت محیط شهری، پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند و بر اساس نتایج آزمون آماری بین میزان مشارکت شهروندان و افزایش کیفیت محیط شهری، رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. نظم‌فر (۱۳۹۴)، در پژوهشی به سنجش کیفیت زندگی شهری دو شهر اردبیل پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد شاخص‌های مسکن، محیط زیست، امنیت، دسترسی، اقتصاد، بهزیستی فردی، رفاه اجتماعی و روابط اجتماعی، با میزان رضایت مندی ساکنان رابطه معنادار نشان می‌دهد. محمودی‌زاد و حقیقی (۱۳۹۴)، شاخص‌های کیفیت زندگی در محدوده‌های روستا-شهری (نمونه موردی: روستا-شهر فرحزاد) را بررسی کرده‌اند. بر اساس این مطالعات رابطه بین شاخص‌های عینی و ذهنی مثبت است، در این پژوهش شاخص‌های ذهنی شامل: آموزش، مشارکت، امنیت و سلامت محیط زیست و شاخص‌های عینی شامل: اوقات فراغت، محیط مسکونی، زیرساخت می‌باشد که در شاخص‌های ذهنی

رابطه معنادار وجود داشته و در شاخص‌های عینی رابطه معنادار وجود نداشته است. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به واکاوی نقش سرمایه روان‌شناختی در توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: شهر رشت) پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد سکونتگاه‌های غیررسمی با پیشینه روستایی در مقایسه با سکونتگاه‌های غیررسمی فاقد پیشینه روستایی نسبت به آینده محلات خود نگاه مثبت‌تری دارند. عباسی لیوسی، امان‌پور و صفایی‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان برنامه‌ریزی راهبردی به منظور توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مطالعه موردی: شهرک پیام نور دزفول به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عامل قوت؛ پایین بودن هزینه خانوارها، مهم‌ترین عامل ضعف؛ وجود زمین‌های شکل‌گیری اشتغال کاذب و غیررسمی، مهم‌ترین عامل فرصت؛ سنددار کردن پلاک‌های مسکونی و مهم‌ترین عامل تهدید؛ گرایش کودکان لازم‌التعلیم به ترک تحصیل جهت ورود به بازار کار غیررسمی و کمک به تأمین مالی خانواده می‌باشد. بنابراین، با توجه به نمره نهایی حاصل از نقاط داخلی، می‌توان گفت که در ساماندهی فضایی شهرک پیام‌نور دزفول نقاط ضعف و نقاط قوت، نسبت به یکدیگر برتری ندارند و هر دو در حد متوسط می‌باشند. هم‌چنین تهدیداتی که از طرف محیط خارجی برای ساماندهی فضایی اسکان غیررسمی شهرک پیام‌نور وجود دارند، با فرصت‌های آن برابر می‌باشد. سرور و امین‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تبیین علل شکل‌گیری اسکان‌های غیررسمی و ارائه راهکارهای بهینه جهت ساماندهی آن‌ها (مطالعه موردی: محله علی‌آباد بوکان) به این نتیجه دست یافتند که عوامل اقتصادی به ویژه اشتغال و وضعیت توزیع درآمد، با بتای ۷۸ درصد دارای بیشترین تأثیر، عوامل اجتماعی با بتای ۴۹ درصد و عوامل سیاسی با بتای ۲۸ درصد در شکل‌گیری محله علی‌آباد نقش داشته‌اند. هم‌چنین این پژوهش با استفاده از مدل سوات پس از شناسایی، ارزیابی و طبقه‌بندی عوامل (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) و تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (با امتیاز ۲/۶۹۴) و عوامل خارجی (با امتیاز ۲/۴۲۷) استراتژی بازنگری را جهت ساماندهی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر، ارائه می‌کند. خان محمدی، سرور و استعلاجی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان آینده‌نگاری تحولات اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی حریم کلانشهر تهران انجام داده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، کاربری‌های ناسازگار و تجدیدنظر در قوانین و مقررات توسعه شهری، مهم‌ترین علت پیشران و رشد اقتصاد ملی، بیکاری، مدیریت یکپارچه شهری و غیره، علل سیاستی در اسکان غیررسمی در پهنه جنوبی کلانشهر تهران بوده‌اند.

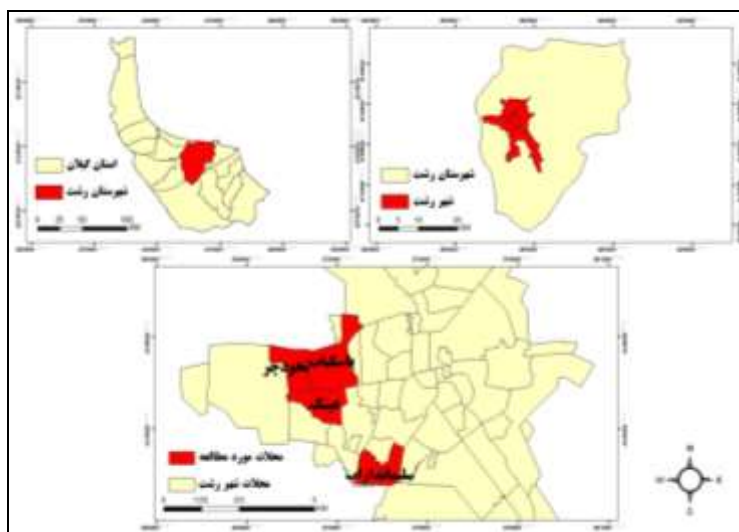
روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات به صورت اسنادی، کتابخانه‌ای و پیمایشی و با ابزار پرسشنامه گردآوری شده‌اند. براین اساس به منظور سنجش متغیر برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار از پرسشنامه‌ای با ۴ مؤلفه اقتصادی (۱۵ گویه)، اجتماعی (۳۶ گویه)، فرهنگی (۷ گویه) و کالبدی (۱۷ گویه) و جهت سنجش متغیر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی از پرسشنامه‌ای با ۱۲ مؤلفه مسکن (۲۲ گویه)، حمل و نقل (۱۰ گویه)، تاسیسات و تجهیزات (۱۱ گویه)، خدمات تجاری، فرهنگی و مذهبی (۱۱ گویه)، سلامت، بهداشت و درمان (۵ گویه)، تفریحات و سرگرمی‌ها (۴ گویه)، اشتغال و وضعیت اقتصادی (۱۱ گویه)، وضعیت آموزشی (۵ گویه)، ایمنی و امنیت (۱۱ گویه)، وضعیت خانواده (۸ گویه)، وضعیت اجتماعی (۹ گویه) و زیست محیطی (۸ گویه) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از دو گروه: ۱) شهروندان ساکن در محلات هدف؛ ۲) کارشناسان و متخصصین مرتبط با موضوع بازآفرینی شهری استان گیلان می‌باشند. حجم نمونه مورد بررسی نیز با استفاده از فرمول کوکران برای گروه اول ۴۰۰ نفر و برای گروه دوم ۳۰۰ نفر اعلام گردید که به شیوه هدفمند نمونه‌گیری گردیده است. هم‌چنین تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. به این منظور آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق شامل جنس، سن، مدرک تحصیلی و غیره در دو گروه شهروندان و کارشناسان به طور جداگانه بررسی گردید. هم‌چنین به بررسی متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های سازنده آن پرداخته شد. در بخش آمار استنباطی نیز، در ابتدا به منظور تعیین نحوه توزیع داده‌های پژوهش جهت انتخاب آزمون‌های آماری مناسب، از شاخص‌های چولگی و کشیدگی جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده گردید. بر اساس اطلاعات بدست آمده از این بخش، مقدار چولگی مشاهده شده برای تمامی متغیرها در بازه (۲، -۲) قرار دارند. یعنی به لحاظ چولگی، متغیرهای مورد مطالعه نرمال بوده و توزیع آن متقارن می‌باشد. هم‌چنین مقدار کشیدگی نیز برای این متغیرها بین (۲، -۲) قرار دارند. بنابراین توزیع متغیرها نسبت به توزیع نرمال، کشیدگی قابل توجهی ندارد و از حالت نرمال خارج نشده است و می‌توان آزمون‌های پارامتریک را اجرا کرد. در مرحله بعد نیز به بررسی روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری پرداخته شد. بر اساس نتایج این بخش مقادیر آلفای کرونباخ برای تمام سازه‌ها بالای ۰/۷ می‌باشد. بنابراین می‌توان استنباط نمود که ابزار اندازه‌گیری از صحت‌سازگاری درونی خوبی برخوردار است. هم‌چنین مقادیر مربوط

به پایایی مرکب برای تمامی مقادیر بالای ۰/۷ می‌باشد که نشان می‌دهد ابزار از سازگاری مرکب خوبی برخوردار است. به علاوه بر اساس نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری مشخص گردید که تمامی سؤال‌های بر روی متغیرهای خود، دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۶ می‌باشند که نشان دهنده مناسب بودن سؤالات به جهت تخمین متغیر مربوطه می‌باشد. از سوی دیگر از آنجایی که به جهت بررسی روایی همگرا فورنل و لارکر (۱۹۸۱) متوسط واریانس استخراج شده را به‌عنوان معیاری برای اعتبار همگرا پیشنهاد می‌کنند، در این پژوهش از مقدار متوسط واریانس استخراج شده جهت سنجش روایی همگرا استفاده گردید که مقادیر متوسط واریانس استخراج شده برای تمام متغیرهای تحقیق، بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد. همچنین مقادیر جذر متوسط واریانس استخراج شده از تمامی مقادیر همبستگی محاسبه شده در همان ستون بزرگتر می‌باشند. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که ابزار مورد استفاده در تحقیق از روایی و اگرای مناسبی برخوردار می‌باشد، این بدان معنی است که سؤال‌های هر سازه همبستگی بیشتری با سازه مربوط به خود نسبت به سایر سازه‌ها دارد. علاوه بر این به منظور بررسی برازش مدل از شاخص جی.ا.و.اف استفاده گردید که مقدار آن برابر با ۰/۵۷۳ محاسبه شد که مناسب بودن برازش مدل را نشان می‌دهد. در ادامه به منظور ارزیابی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری بر ارتقاء کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی از روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و با کمک نرم افزار اسمارت پی.ال.اس استفاده گردید. همچنین میزان موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در محلات هدف با استفاده از آزمون تی.تست مورد ارزیابی قرار گرفت.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر رشت مرکز شهرستان و استان گیلان است که خود در بخش مرکزی شهرستان واقع شده است و از شمال به دهستان‌های حومه و پسیخان، از شرق به دهستان‌های سنگر و اسلام‌آباد و سراوان و از غرب به شهرستان شفت و از جنوب به شهرستان رودبار محدود می‌شود. این شهر در ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده و مساحتی بالغ بر ۱۸۰ کیلومتر مربع دارد (شکل ۲). محدوده مورد مطالعه در این پژوهش محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر رشت می‌باشد. این سکونتگاه‌ها عمدتاً در منطقه ۴ شهرداری رشت قرار دارند. بخش کوچکی از این سکونتگاه‌ها در شمال منطقه ۵ و در مرز این منطقه با منطقه ۴ و ۲ گسترده شده‌اند. مطالعات مربوط به محدوده مصوب سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت که توسط مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر در سال ۱۳۸۸ صورت گرفته است، نخست تعداد ۱۶ محله در شهر رشت شناسایی شد و این ۱۶ محله به دلیل وجود مشکلات عدیده (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی) در آن بر اساس رویکردهای بازآفرینی شهری کارفرما و مراجع ذیربط مد نظر و مورد تصویب قرار گرفت و در ادامه به جهت برطرف کردن مشکلات این محلات در نهایت به ۴ محله کاهش یافت (مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر، ۱۳۸۸). به طور کلی می‌توان گفت که سکونتگاه‌های غیر رسمی در نیمه غربی شهر رشت در محدوده محله‌های سلیمان داراب، پاسکیاب، نخودچر و عینک قرار دارند و مساحتی در حدود ۷۸۹ هکتار را به خود اختصاص داده‌اند (آقایی زاده و همکاران، ۱۳۹۶).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر رشت

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

یافته‌های حاصل از متغیرهای جمعیت شناختی نشان می‌دهد که از جامعه آماری شهروندان، ۷۲ درصد از افراد مرد و ۲۸ درصد زن بوده‌اند که از این تعداد ۱۴ درصد مجرد و ۸۲ درصد نیز متأهل بوده‌اند. در ارتباط با سن این افراد، ۶ درصد از شهروندان بین ۱۸ تا ۲۵ سال، ۱۲ درصد ۲۶ تا ۳۵ سال، ۴۴ درصد ۳۶ تا ۵۰ سال، ۳۶ درصد ۵۱ تا ۶۵ سال و ۲ درصد نیز بیشتر از ۶۵ سال بوده است. شغل ۲۴ درصد از شهروندان مورد مطالعه کارمند، ۱۴ درصد کارگر، ۲۶ درصد آزاد، ۱۰ درصد دانشجو، ۱۲ درصد خانه‌دار، ۱۰ درصد بازنشسته و ۴ درصد نیز بدون شغل می‌باشند. تحصیلات ۳۴ درصد از شهروندان زیردیپلم، ۲۴ درصد دیپلم، ۳۲ درصد لیسانس و ۱۰ درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر می‌باشد. در ارتباط با محل سکونت نیز ۹۴ درصد از پاسخگویان در محلات هدف ساکن بوده و ۶ درصد نیز در این زمینه اظهار نظر ننموده‌اند. ۲۰ درصد از شهروندان در محلات هدف شاغل بوده و ۵۰ درصد نیز در خارج از محلات هدف اشتغال دارند. همچنین از جامعه آماری متخصصین نیز جنسیت ۷۲ درصد از کارشناسان مورد مطالعه مرد و ۲۸ درصد زن می‌باشد و ۲ درصد از کارشناسان نیز در این زمینه اظهار نظر ننموده‌اند. سن ۱۴ درصد بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۶۵ درصد بین ۳۶ تا ۵۰ سال و ۲۱ درصد بین ۵۱ تا ۶۵ سال بوده است. شغل ۹۶ درصد از کارشناسان مورد مطالعه کارمند و ۴ درصد مابقی نیز بازنشسته بوده‌اند. تحصیلات ۲ درصد از کارشناسان مورد مطالعه دیپلم، ۸ درصد لیسانس و ۹۰ درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر می‌باشد. ۸ درصد از کارشناسان مورد مطالعه در محلات هدف ساکن بوده و ۹۰ درصد نیز در سایر محلات سکونت دارند. همچنین ۲ درصد از کارشناسان نیز در این زمینه اظهار نظر ننموده‌اند. ۹۶ درصد از کارشناسان مورد مطالعه در خارج از محلات هدف اشتغال دارند و ۴ درصد نیز اظهار نظر ننموده‌اند. ۹۰ درصد از کارشناسان از محلات هدف استفاده و بازدید نموده‌اند. ۶ درصد از آن‌ها از این محلات استفاده یا بازدید ننموده و ۴ درصد نیز در این زمینه اظهار نظر ننموده‌اند.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

جامعه آماری شهروندان			جامعه آماری متخصصین				
متغیر	شرح	تعداد	درصد	متغیر	شرح	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۲۸۸	۷۲	جنسیت	مرد	۲۰۴	۶۸
	زن	۱۱۲	۲۸		زن	۹۰	۳۰
وضعیت تأهل	متأهل	۳۲۸	۸۲	وضعیت تأهل	اظهار نشده	۶	۲
	اظهار نشده	۱۶	۴		بین ۱۸ تا ۲۵ سال	۰	۰
سن	بین ۱۸ تا ۲۵ سال	۲۴	۶	بین ۲۶ تا ۳۵ سال	۴۲	۱۴	
	بین ۲۶ تا ۳۵ سال	۴۸	۱۲	بین ۳۶ تا ۵۰ سال	۱۹۶	۶۵	
	بین ۳۶ تا ۵۰ سال	۱۷۶	۴۴	بین ۵۱ تا ۶۵ سال	۶۲	۲۱	
	بین ۵۱ تا ۶۵ سال	۱۴۴	۳۶	۶۵ سال و بیشتر	۰	۰	
	۶۵ سال و بیشتر	۸	۲	کارمند	۲۸۸	۹۶	
شغل	کارمند	۹۶	۲۴	شغل	کارمند	۱۲	۴
	کارگر	۵۶	۱۴		بازنشسته	۶	۲
	آزاد	۱۰۴	۲۶		دیپلم	۲۴	۸
محل سکونت	دانشجو	۴۰	۱۰	محل سکونت	فوق لیسانس و بالاتر	۲۷۰	۹۰
	خانه دار	۴۸	۱۲		ساکن در محلات هدف	۲۴	۸
	بازنشسته	۴۰	۱۰		ساکن در سایر محلات	۲۷۰	۹۰
	بیکار	۱۶	۴		اظهار نشده	۶	۲
تحصیلات	زیر دیپلم	۱۳۶	۳۴	تحصیلات	شاغل در محلات هدف	۲۸۸	۹۶
	دیپلم	۹۶	۲۴		اظهار نشده	۱۲	۴
	لیسانس	۱۲۸	۳۲		از محلات هدف استفاده و بازدید نمودم.	۲۷۰	۹۰
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۰	۱۰		از محلات هدف استفاده و بازدید نمودم.	۱۸	۶
	ساکن در محلات هدف	۳۷۶	۹۴		اظهار نشده	۱۲	۴
محل اشتغال	ساکن در سایر محلات	۰	۰	محل اشتغال	شاغل در محلات هدف	۸۰	۲۰
	اظهار نشده	۲۴	۶		شاغل در خارج از محلات هدف	۳۲۰	۸۰
	شاغل در محلات هدف	۸۰	۲۰				

توصیف متغیرهای تحقیق

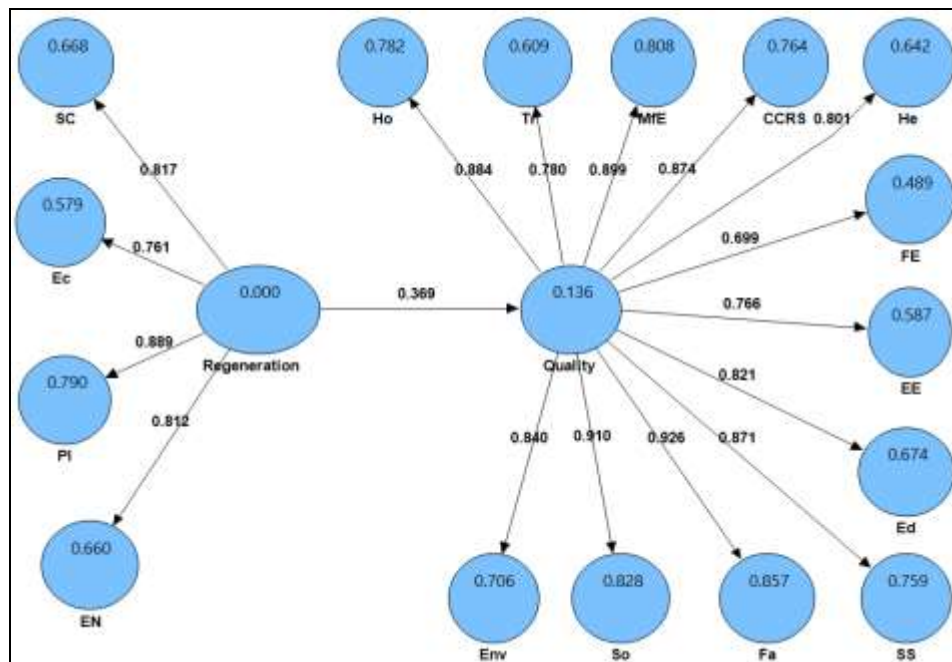
در ارتباط با متغیرهای تحقیق (برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی) بر اساس اطلاعات بدست آمده از تحلیل پرسشنامه‌ها مشخص گردید که در خصوص متغیر برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار، بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه کالبدی با مقدار ۳/۶۱ و کمترین آن مربوط به مؤلفه اقتصادی با میانگین ۳/۳۹ بوده است. در مجموع این متغیر با کمترین نمره ۲/۷۳ و بیشترین نمره ۴/۲۷ دارای میانگین ۳/۴۹ و انحراف معیار ۰/۳۴۶۸ بوده است. در خصوص متغیر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی نیز بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه تاسیسات و تجهیزات شهری با مقدار ۲/۷۴ و کمترین آن مربوط به مؤلفه تفریحات و سرگرمی‌ها با میانگین ۱/۵۳ بوده است.

جدول ۲. توصیف متغیرهای تحقیق

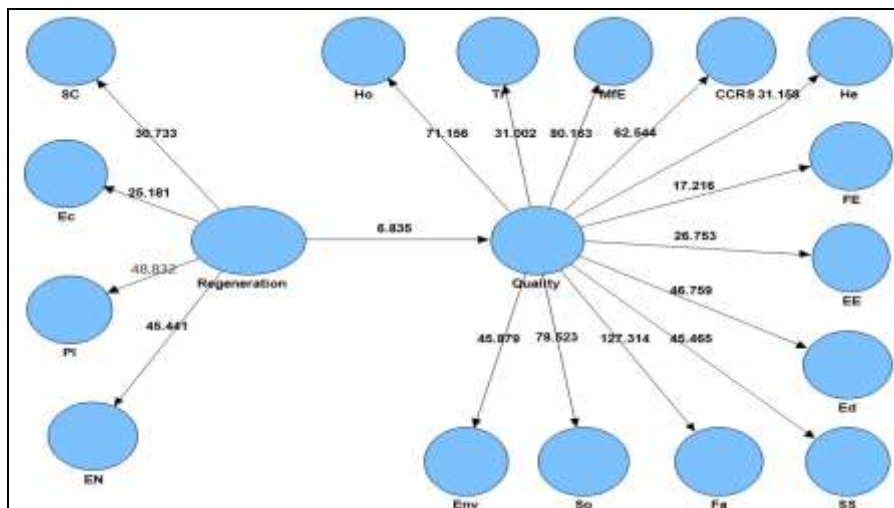
متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار	۲/۷۳	۴/۲۷	۳/۴۹	۰/۳۴۶۸
کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی	۱/۵۹	۴/۲۱	۲/۱۴	۰/۵۶۷۵

ارزیابی تأثیر برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر رشت

به منظور ارزیابی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقاء کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی از مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده گردیده است. شکل‌های (۳) و (۴) نتایج حاصل از آزمون مدل تحقیق را در حالت نمایش ضرایب مسیر استاندارد تأثیر متغیرها و نمایش مقدار آماره t نشان می‌دهد. در آزمون فرضیات تحقیق ملاک رد یا قبول یک فرضیه مقدار آماره t بوده است که چنانچه قدر مطلق این آمار بزرگتر از ۱/۹۶ محاسبه گردد، فرضیه H_1 بر این اساس که شواهدی دال بر رد آن یافت نشده است مورد قبول واقع می‌گردد.



شکل ۳. مدل آزمون تحقیق در حالت نمایش ضرایب مسیر استاندارد



شکل ۴. مدل آزمون تحقیق در حالت نمایش آماره t

نتایج حاصل از آزمون مذکور نشان می‌دهد که ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر) بین دو متغیر (برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی) ۰/۳۶۹ می‌باشد و ضریب معناداری (آماره t) بین این دو متغیر ۶/۸۳۵ بوده که نشان می‌دهد این رابطه معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

جدول ۳. بررسی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی

فرضیه	ضریب مسیر استاندارد	آماره t	سطح معناداری
برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار ← کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی	۰/۳۶۹	۶/۸۳۵	٪۹۵

از آنجایی که طرح‌های بازآفرینی شهری پایدار در قالب برنامه اجرایی در چهار بعد (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) صورت گرفته است، اقدامات بیشتر در بعد کالبدی (مثل اجرای آسفالت محله‌ها، کفسازی و آرام سازی و پیاده راه سازی، احداث پل عابر پیاده، اجرای روشنایی محله و غیره) بوده و تحقق یافتن و استقبال ساکنان به اجرای بیشتر برنامه‌های کالبدی، در مقابل سایر ابعاد (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) برنامه‌ها را به همراه داشته و باعث تغییراتی در نوع زندگی و دلبستگی ساکنان به این محله‌ها شده است. از این رو اجرای منظم این اقدامات مشترک باعث ارتقای کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی مورد مطالعه گردیده است.

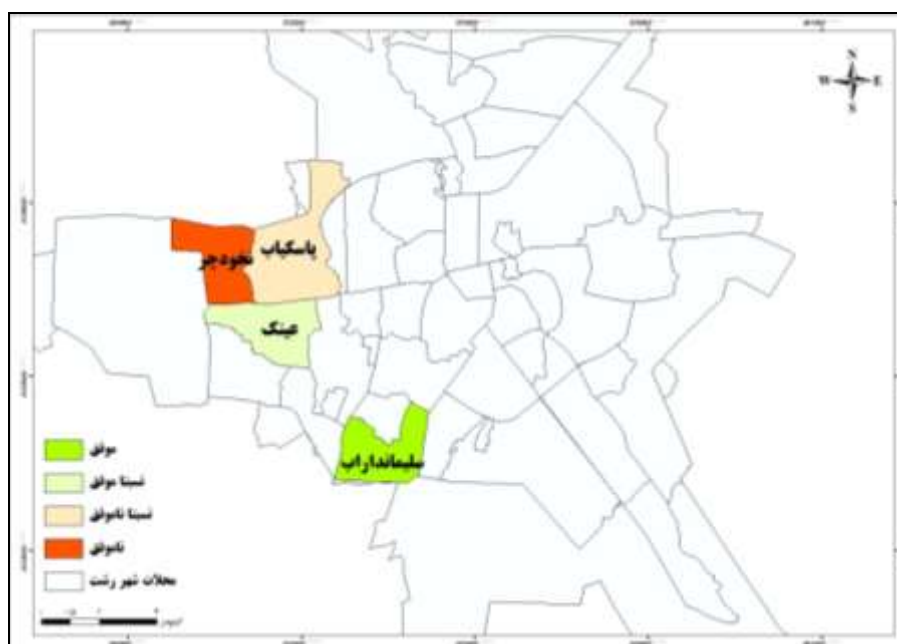
ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری در محلات هدف

به جهت ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری در محلات هدف از آزمون آماری t-test استفاده گردیده است. در تحقیق حاضر با توجه به طیف در نظر گرفته شده (۱ تا ۵) در پاسخ‌ها، مقدار آزمون برابر با ۳ در نظر گرفته شده است. چنانچه میانگین محله‌های هدف از عدد ۳ بیشتر باشد، وضعیت برنامه‌های بازآفرینی آن محله مطلوب خواهد بود. در غیر این صورت از نظر جامعه مورد آزمون، محله بررسی شده در وضعیت مطلوب قرار نخواهد داشت.

جدول ۴. مقادیر آزمون t-test جهت ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری در محلات هدف

محلات	مقدار آزمون = ۳				فاصله اطمینان در سطح معناداری ۹۵٪	
	آماره آزمون	دامنه تغییرات	خطای آزمون	اختلاف میانگین	کران بالا	کران پایین
سلیمانداراب	۲۹/۲۴۱	۲۹۹	۰/۰۰۰	۰/۹۴۶	۰/۸۹۹	۰/۹۹۳
عینک	۲۴/۱۵۲	۲۹۹	۰/۰۰۰	۰/۴۹۸	۰/۴۷۳	۰/۵۲۲
پاسکیاب	-۶/۸۵۱	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۵۲۱	-۰/۵۴۷	-۰/۴۹۵
نخودچر	-۱۰/۴۵۰	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۹۸۳	-۱/۰۳۲	-۰/۹۳۴

با توجه به نتایج آزمون فوق و با در نظر داشتن ضریب اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، مقدار آماره آزمون t با درجه آزادی ۲۹۹، برای محله سلیمانداراب برابر ۲۹/۲۴۱، عینک ۲۴/۱۵۲، پاسکیاب ۶/۸۵۱- و نخودچر ۱۰/۴۵۰- شده و اختلاف میانگین برای تفاضل میانگین نمونه و میانگین مورد آزمون (۳) برای محله سلیمانداراب ۰/۹۴۶، عینک ۰/۴۹۸، پاسکیاب ۰/۵۲۱- و نخودچر ۰/۹۸۳- بوده که نشانگر بیشتر بودن میانگین نمونه از مقدار مورد آزمون برای محلات سلیمانداراب و عینک و کمتر بودن میانگین نمونه از مقدار مورد آزمون برای محلان پاسکیاب و نخودچر می‌باشد و فواصل اطمینان برای این محلات هم علامت می‌باشد و عدد ۰ را پوشش نداده‌اند و سطح معناداری آزمون برابر ۰/۰۰۰ شده است که کوچکتر از خطای ۵ درصد می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که اختلاف مشاهده شده معنی دار و مثبت بودن اختلاف میانگین‌های محلات سلیمانداراب و عینک به وضعیت موفق برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در این دو محله و منفی بودن اختلاف میانگین‌های محلات پاسکیاب و نخودچر به وضعیت ناموفق برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در این دو محله اشاره دارد.



شکل ۵. میزان موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در محلات هدف

بر طبق برداشت‌های میدانی محقق، محله سلیمانداراب با توجه به داشتن نارسایی‌های فراوان، به جهت برخورداری از پتانسیل بالا برای تقویت کیفیت محیطی و ترویج عرصه‌های عمومی و حرکت پیاده، بیشتر مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته و برنامه‌های مختلفی در بعد کالبدی (نظیر: احیاء، بهسازی و نوسازی محورها، جمع‌آوری آب‌های سطحی خیابان‌ها، اجرای پل‌های عابر پیاده، احداث سالن چند منظوره، احداث مدرسه و کتابخانه و غیره) در سال‌های مختلف در آن اجرا شده و توجهات مورد نیاز در سایر ابعاد فرهنگی (اقدامات ترویجی، کتابخانه عمومی)، اجتماعی (تهیه طرح توانمند سازی و سالن ورزشی) و اقتصادی (دفتر تسهیلگری) در آن صورت گرفته است که باعث موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری در این محله گردیده است. محله عینک به دلیل وجود بستر مناسب برای بارگذاری گردشگری و درخواست بالای ساخت و ساز در حوزه‌های سکونت و قرارگیری در ابتدای محور اصلی بلوار و چهار راه ارتباطی و نیز استخر زیبای طبیعی حاصل از آبگیرهای اطراف رشت، به نیازسنجی اصولی و تخصیص اعتبار جهت اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری منجر شده، لذا با پیگیری‌های شرکت بازآفرینی شهری ایران، این امر در سال‌های اخیر بیشتر به وقوع پیوسته است. بیشترین فعالیت در بعد کالبدی (مثل؛ اجرای آزادسازی حریم و ساماندهی تالاب عینک، محوطه سازی تالاب، محور پیاده گردشگری و پیست دوچرخه سواری عینک، احداث نهاد توسعه محله و خانه سلامت) و سپس ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (مثل؛ احداث مرکز محله، سامانده زان، مرکز رفاه کودک و خانواده، دفتر تسهیلگری) بوده است، که این اقدامات مشترک سازمان‌ها منجر به اجرای موفق برنامه‌های بازآفرینی شهری در محله عینک شده است. محله پاسکیاب به جهت بی توجهی مسئولین به محله و عدم پیگیری تخصیص اعتبار جهت اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و عدم بهره

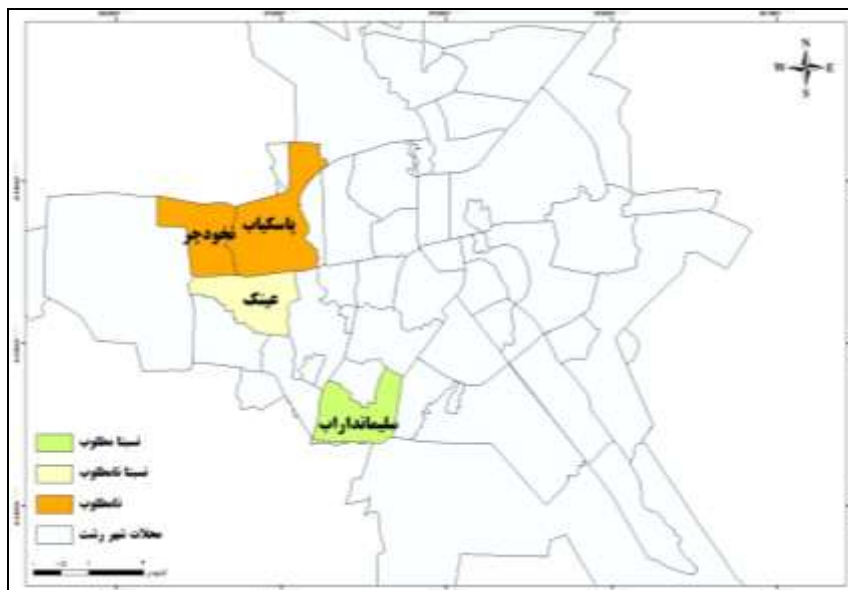
گیری از پتانسیل‌های طبیعی موجود در محله و واقع شدن زمین‌های کشاورزی در محدوده شهر و عدم امکان بهره‌وری از این زمین‌ها و الگوی موجود در سطح محله از لحاظ زیست محیطی و گسیختگی و تفکیک حوزه‌ها توسط خیابان‌ها و استقرار نامناسب برخی فعالیت‌ها و وجود حوزه‌های مسکونی ناپایدار در بافت مرکزی محله و غیره از نکات بارز مؤثر در عدم اجرا و عدم موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بوده که منجر به تحقق نیافتن و در نتیجه عدم موفقیت آموز بودن وضعیت اجرای پروژه‌های بازآفرینی شهری پایدار در این محله گردیده است. محله نخودچر نیز به دلیل بی‌توجهی مسئولین به محله و عدم پیگیری تخصیص اعتبار جهت اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و بهره‌برداری نامناسب از عناصر طبیعی به ویژه مسیل‌ها و وجود حوزه‌های مسکونی ناپایدار در بافت مرکزی محله و نداشتن دسترسی به شبکه حمل و نقل مناسب و عدم وجود شبکه آب رسانی و فاضلاب شهری و گسیختگی و تفکیک حوزه‌ها توسط شبکه‌های بزرگراهی و توسعه لجام گسیخته و بی‌توجهی به ساختار طبیعی و از بین بردن کیفیت‌های اکولوژیک که موجد ناپایداری در اکوسیستم منطقه و محله و شهر می‌شود و وجود گرایش قوی برای استفاده از اراضی بایر به کاربری مسکونی و بالا بودن آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد در بین جوانان و میانسالان و عدم امکان افزایش فضای سبز محله و غیره باعث عدم اجرا و تحقق برنامه‌ها و طرح‌ها و در کل موجب عدم موفقیت در اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار گردیده است.

ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف

با توجه به نتایج آزمون تی، تست که به منظور ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف صورت گرفت، مشاهده می‌شود که با در نظر داشتن ضریب اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، مقدار آماره آزمون t ، برای محله سلیمانداراب برابر $۱۱/۸۵۰$ ، عینک $-۸/۱۶۰$ ، پاسکیاب $-۲۷/۴۰۰$ و نخودچر $-۳۱/۷۱۳$ شده و اختلاف میانگین برای تفاضل میانگین نمونه و میانگین مورد آزمون (۳) برای محله سلیمانداراب $۰/۴۲۶$ ، عینک $-۰/۲۸۸$ ، پاسکیاب $-۰/۹۷۰$ و نخودچر $-۱/۴۲۷$ بوده که نشانگر بیشتر بودن میانگین نمونه از مقدار مورد آزمون برای محله سلیمانداراب و کمتر بودن میانگین نمونه از مقدار مورد آزمون برای محلات عینک، پاسکیاب و نخودچر می‌باشد و فواصل اطمینان برای این محلات هم علامت می‌باشد و عدد ۰ را پوشش نداده‌اند و سطح معناداری آزمون برابر $۰/۰۰۰$ شده است که کوچکتر از خطای ۵ درصد می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که اختلاف مشاهده شده معنی دار و مثبت بودن اختلاف میانگین محله سلیمانداراب به وضعیت نسبتاً مطلوب کیفیت زندگی در این محله و منفی بودن اختلاف میانگین‌های محلات عینک، پاسکیاب و نخودچر به ترتیب به وضعیت نسبتاً نامطلوب و نامطلوب کیفیت زندگی در این سه محله اشاره دارد.

جدول ۵. مقادیر آزمون t-test جهت ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف

محلات	مقدار آزمون = ۳				فاصله اطمینان در سطح معناداری ۹۵٪	
	آماره آزمون	دامنه تغییرات	خطای آزمون	اختلاف میانگین	کران پایین	کران بالا
سلیمانداراب	۱۱/۸۵۰	۱۹۵	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶	۰/۴۰۴	۰/۴۴۷
عینک	-۸/۱۶۰	۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۸۸	-۰/۳۰۲	-۰/۲۷۳
پاسکیاب	-۲۷/۴۰۰	۸۳	۰/۰۰۰	-۰/۹۷۰	-۱/۰۱۸	-۰/۹۲۱
نخودچر	-۳۱/۷۱۳	۱۹	۰/۰۰۰	-۱/۴۲۷	-۱/۴۹۸	-۱/۳۵۵



شکل ۶. وضعیت کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی هدف

در محله سلیمانداراب به دلیل دارا بودن شاخص‌های مطلوب در بعد کالبدی شامل؛ وجود مسکن فعال و نوساز و بهبود وضعیت، میزان استفاده مجدد و تطبیق یافته از ساختار کالبدی موجود، میزان دسترسی به زیر ساخت‌ها و خدمات و در بعد فرهنگی، اجتماعی شامل؛ پویایی فعالیت‌های فرهنگی، مشارکت اجتماعی شهروندان، میزان رضایت ساکنین از سکونت در محله، میزان نقش مردم در طراحی و اجرای طرح ایجاد سرزندگی، و در بعد اقتصادی شامل؛ دوره‌های مهارت آموزی شغلی، وجود جمعیت فعال و غیره موجب گردیده که وضعیت محله در زمینه کیفیت زندگی ساکنان در سال‌های اخیر بر خلاف سایر محلات از مطلوبیت نسبی برخوردار باشد. محله عینک به دلیل عدم جلب اعتماد ساکنان محله‌ها نسبت به برنامه‌های بازآفرینی شهری، عدم مشارکت‌های اجتماعی، عدم رفع موانع حقوقی و ثبتی، عدم استفاده مجدد و تطبیق یافته از ساختار کالبدی موجود، کاهش ارتقای هویت شهری و غیره باعث عدم ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و در نتیجه نسبتاً نامطلوب بودن کیفیت زندگی را به همراه داشته است. وضعیت محله پاسکیاب در بعد فرهنگی و اجتماعی؛ تشتت در قومیت‌های ساکن در محله، عدم وجود فرهنگ و هویت مشخص به علت مهاجرت پذیری بالای منطقه، عدم وجود فضاهای جمعی مناسب برای تعامل اجتماعی ساکنان، و در بعد کالبدی و عملکردی؛ بی توجهی مسئولین به محله و عدم بهره‌گیری از پتانسیل‌های طبیعی موجود در محله و واقع شدن زمین‌های کشاورزی در محدوده شهر و عدم امکان بهره‌بری از این زمین‌ها و فقدان مراکز درمانی در محله و در بعد اقتصادی؛ شکل‌گیری فعالیت‌های ناسازگار با نواحی سکونت‌دهی در برخی از قسمت‌های محله و ناتوانی منطقه در ارائه فرصت‌های شغلی به منظور جذب نیروهای کار در محله و غیره باعث عدم ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و در نتیجه نزول شاخص کیفیت زندگی گردیده است. همجواری محله نخودچر در کنار محله پاسکیاب از نظر موقعیتی به نوعی تأثیر بسزایی در عدم اجرای موفق برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار و عدم دارا بودن وضعیت مطلوب در آن را داشته است. در این محله نیز به دلیل عدم دارا بودن شاخص‌های مطلوب در بعد کالبدی شامل؛ افزایش نقش عبوری معابر محله، تفکیک حوزه‌ها توسط خیابان‌ها و معابر، استقرار نامناسب برخی فعالیت‌ها، عدم ساماندهی و آسفالت معابر و کوچه‌های خاکی و در بعد فرهنگی و اجتماعی شامل؛ عدم توزیع مناسب امکانات فرهنگی و رفاهی موجود در منطقه میان نواحی و محلات مختلف، کمبود مشارکت هر چه بیشتر مردم در امور، و در بعد اقتصادی شامل؛ عدم سازمان دهی مناسب سرمایه‌ها و نیروی کار به صورت شرکت‌های تعاونی و رسمی در منطقه، وجود تمرکز بالای فعالیت تعمیرات در منطقه، وجود فعالیت‌های ناسازگار با نواحی سکونت‌دهی در برخی از قسمت‌های منطقه باعث نزول کیفیت زندگی شهروندان گردیده است.

نتیجه‌گیری

اثر بخشی و تحقق کیفیت زندگی شهری را باید تابع تغییرات ریشه‌ای در برنامه‌ریزی شهری و توسعه دانست؛ و بایستی یک روش و الگوی اصولی و یکپارچه جهت برطرف کردن مشکلات زندگی ساکنان محدوده‌ها و محله‌های هدف سکونتگاه‌های غیر

رسمی و ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها در نظر گرفت. ارتقای کیفیت زندگی، رفاه و بهزیستی را برای ساکنان به همراه دارد و در نتیجه از پارامترهای توسعه محسوب می‌شود. در نتیجه این ارتقاء و توسعه در زندگی شهری بخش مهمی از مفاهیم بازآفرینی شهری پایدار را شامل می‌شود. تحقیق حاضر با هدف ارزیابی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: شهر رشت) صورت پذیرفت. به منظور ارزیابی اثربخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری بر ارتقاء کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی از روش مدلسازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و با کمک نرم افزار اسمارت پی.ال.اس استفاده گردید. نتایج حاصل از این بخش نشان داد که برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر کیفیت زندگی سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر مثبت و معناداری دارد. پس از آن میزان موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در محلات هدف با استفاده از آزمون t مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس نتایج این آزمون مشخص گردید که وضعیت برنامه‌های مذکور در محله سلیمانداراب موفق، عینک نسبتاً موفق، پاسکیاب نسبتاً ناموفق و در محله نخودچر ناموفق بوده است. همچنین در آخرین گام اقدام به ارزیابی وضعیت کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه گردید که نتایج نشان داد وضعیت کیفیت زندگی در محله سلیمانداراب نسبتاً مطلوب، عینک نسبتاً نامطلوب و در محلات پاسکیاب و نخودچر نامطلوب می‌باشد. در پایان یادآوری می‌گردد، در این محلات هدف با توجه به تهیه طرح برنامه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی، هنوز محلات مورد مطالعه با مشکلات مختلفی در زمینه رفاه و بهزیستی شهری، نحوه کیفیت زندگی، نابرابری و ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه می‌باشد، و با توجه به اجرای برنامه‌های بازآفرینی شهری در سال‌های اخیر، کیفیت زندگی شهری هنوز در سطح مطلوبی نمی‌باشد و اقدامات توانمند سازی در این محلات تأثیرات کمی بر ارتقای کیفیت زندگی گذاشته است. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد در انجام برنامه‌ها و اقدامات آینده بازآفرینی شهری به جای توجه خاص به کمیّت به کیفیت اجرای این برنامه‌ها و پروژه‌ها پرداخته شود، و همچنین جهت بهبود و ارتقای زیرساخت‌ها و کالبد محلات، به همه آن‌ها بصورت یکنواخت و متعادل پرداخته شود و همه دست اندرکاران تأثیر گذار در ارتقاء کیفیت زندگی شهری و اقدامات توانمند سازی مشارکت فعال داشته باشند.

تقدیر و تشکر

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات از آن دفاع شده است.

منابع

- اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان و دانشگاه گیلان. (۱۳۹۶). طرح پژوهشی ارزیابی بازآفرینی شهری برپایه توسعه پایدار شهری، نمونه شهر رشت. آقای زاده، اسماعیل؛ فرهادی، حسام و محمودزاده، ربابه و آقای زاده، سعید.
- اعظمی، محمد؛ ایراندوست، کیومرث و تولایی، روح‌الله. (۱۳۹۳). شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران. *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، ۶(۲۱)، ۴۳-۶۰.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۹). مرور تجربه‌ی کوتاه توانمند سازی سکونتگاه‌های غیر رسمی (نمونه شهر کرمانشاه). *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۲۰، ۷۸-۵۹.
- پوراحمد، احمد؛ جعفری مهرآبادی، مریم، رخساری، حمید و رنجبری، امیر. (۱۳۹۷). واکاوی نقش سرمایه روان شناختی در توانمند سازی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی (نمونه موردی: شهر رشت). *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۷(۲۶)، ۲۹-۴۴.
- پوراحمد، احمد؛ عمو، ابراهیم، حاجیان، محمد و رئوفی، اصغر. (۱۳۹۶). سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله اسلام آباد تهران). *دو فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای اجتماعی شهری*، ۴(۲)، ۱-۲۲.
- جعفری مهرآبادی، مریم؛ سجودی، مریم و امامی، سیده فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سکونتگاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله عینک شهر رشت). *راهبرد توسعه*، ۵۴، ۸۶-۱۱۶.
- خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ حسینی، سید محمد حسن و طوسی، رمضان. (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش کیفیت زندگی و تأثیر آن بر مشارکت شهروندان در امور شهری، مورد شناسی شهر مینو دشت. *جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، ۴(۱۰)، ۷۳-۸۶.
- سلیمانی، محمد؛ منصوریان، حسین و براتی، زهرا. (۱۳۹۲). سنجش کیفیت زندگی در محله‌های در حال گذار شهری (مطالعه موردی: محله دروازه شمیران از منطقه ۱۲ شهر تهران). *جغرافیا (فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیایی ایران)*، ۱۱(۳۸)، ۷۵-۵۱.

- شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران. (۱۳۹۴). آئین نامه نحوه فعالیت ستاد ملی بازآفرینی پایدار محدوده‌ها و محله‌های هدف برنامه‌های احیاء، بهسازی و نوسازی شهری. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
- شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران. (۱۳۹۶). شناسنامه شهر و محلات ناکارآمد شهر رشت. وزارت راه و شهرسازی.
- لطفی، صدیقه. (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری. فصلنامه جغرافیای انسانی، ۱(۴)، ۸۰-۶۵.
- لطفی، صدیقه؛ فرجی ملائی، امین، منوچهری، ایوب و عظیمی، آزاده. (۱۳۹۰). تحلیل کیفیت زندگی شهری با استفاده از روش آنتروپی و تکنیک saw مطالعه موردی: (بافت شهر میاندوآب). مکان، فصلنامه جغرافیا و آمایش سرزمین، ۱(۱)، ۸۶-۷۰.
- محمودزاده، سمانه؛ ذاکر حقیقی، کیانوش. (۱۳۹۶). ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی در محدوده‌های روستا- شهری (نمونه موردی: روستا- شهر فرحزاد). فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، ۴(۱۵)، ۱۴-۵.
- مهندسان مشاور پلشیر. (۱۳۹۷). سند باز آفرینی شهری رشت با رویکرد شهر انسان محور. وزارت راه و شهرسازی، شرکت بازآفرینی شهری ایران.
- مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر. (۱۳۹۰). طرح برنامه ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری رشت با دیدگاه شهر نگر. وزارت راه و شهرسازی، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.
- مهندسان مشاور طراحان راهوند شهر. (۱۳۹۰). طرح برنامه ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تأکید بر بهسازی شهری رشت با دیدگاه شهر نگر. وزارت راه و شهرسازی، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان.
- نظم‌فر، حسین و محمدی، چنور. (۱۳۹۴). سنجش کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: منطقه دو شهر اردبیل). فصلنامه آمایش محیط، ۳۶، ۶۹-۹۲.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۹۱). کیفیت زندگی شهری و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه. مطالعات شهری، ۲(۳)، ۸۲-۶۵.
- ویسی، رضا؛ خاکپور، براتعلی، رستگار، محسن، میرجعفری، رضیه‌السادات و احمدی، سجاد. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر رشد نامتعادل کالبدی شهر رشت با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۳(۱)، ۱۶-۱.
- هادوی، فرامرز؛ پوراحمد، احمد، کشاورز، مهناز و علی اکبری، اسماعیل. (۱۳۹۶). بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمدی شهری (مورد مطالعه منطقه ۱۰ شهر تهران). فصلنامه آمایش محیط، ۱۰(۳۷)، ۱۹۴-۱۶۷.
- یوسف‌نژاد، زهره. و علی نوری کرمانی و حسین حاتمی‌نژاد و محمد مهدی حسین‌زاده. (۱۳۹۹). سنجش ارتباط و تأثیر ابعاد بازآفرینی پایدار بر رویکرد کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: تهران، منطقه ۱۵). فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۳)، ۳۱۴-۲۹۷.
- Abdul Mohit, M. A. (2013). Objective analysis of variation in the regional quality of life in Malaysia and its policy implications. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 101, 454-464.
- Ballesteros, B., García-Sánchez, I. M., & Prado-Lorenzo, J. M. (2012). Effects of different modes of local public services delivery on quality of life in Spain. *Journal of Cleaner Production*, 37, 68-81.
- Fazli, M. (2016). *Factors Behind the Growth of Informal Settlements in Kabul*. In the 6th Annual Conference on Architecture and Urbanism (pp. 81-86).
- Filiz, A., & Elmas, E. (2011). Improvement quality of life for an Anatolian traditional settlement: Konya-Sille Case. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 420-430.
- Lee, Y. J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
- Santos, A., & Virtudes, A. (2020). Housing Planning for Informal Settlements: Pante-Macassar (East Timor). *KnE Engineering*, 14-25.
- Thumboo, J., Fong, K. Y., Machin, D., Chan, S. P., Soh, C. H., Leong, K. H., & Boey, M. L. (2003). Quality of life in an urban Asian population: the impact of ethnicity and socio-economic status. *Social science & medicine*, 56(8), 1761-1772.
- Zainal, N. R., Kaur, G., Ahmad, N. A., & Khalili, J. M. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 50, 827-838.

How to cite this article:

Pouyan, S., Tavakolan, A., Kargar, B. (2022). Evaluating the effectiveness of sustainable urban regeneration programs on improving the quality of life of residents of informal settlements (Case study: Rasht city). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(2), 377-390.

ارجاع به این مقاله:

پویان، صالح؛ توکلان، علی و کارگر، بهمن. (۱۴۰۱). ارزیابی اثر بخشی برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار بر ارتقای کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: شهر رشت). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷(۲)، ۳۷۷-۳۹۰.